

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۹۱-۱۱۶

بررسی سندی روایات «الارشاد» شیخ مفید (از دوران امام سجاد(ع) تا امام عصر(عج))

علیرضا دل افکار^۱

زهرا خیراللهی^۲

رضا عرب تبریزی^۳

چکیده

کتاب الارشاد شیخ مفید (د. ۴۱۳ق) اولین کتاب روایی - تاریخی درباره زندگانی ائمه اثنی عشر^(ع) است که در نوع خود، نقطه عطفی در تاریخ‌نگاری شیعه محسوب می‌شود و شیخ آن را در اثبات امامت ائمه شیعه به نگارش درآورده است. در حقیقت او کوشیده است بر مبنای روایات منقول از معصومین، و با رویکردی کلامی، به روایت تاریخ زندگانی ائمه^(ع) بپردازد. بخش قابل توجهی از روایات نقل شده در الارشاد از منظر متأخران علم حدیث ضعیف هستند و شیخ مفید، اگرچه در نقل‌های خود از وقایع تاریخی، مانند دیگر آثار تاریخی، گاهی از ذکر سند روایات خودداری کرده است، اما در اغلب موارد و متفاوت از رویکرد دیگر مورخان، جهت تقویت اعتبار روایت تاریخی، سند روایت را هم ذکر می‌کند. این مقاله در صدد است روایات مربوط به تاریخ زندگانی امام سجاد^(ع) تا امام عصر^(ع) را به لحاظ سندی مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد تا میزان اعتبار و صحت روایات این اثر معلوم شود. نتیجه بررسی حاکی از آن است که در باب دوران نه امام آخر، تقریباً هیچ حدیث مجعولی به چشم نمی‌خورد ولی برخی احادیث از منظر متأخران ضعیف به شمار می‌رود که هرچه به آخر کتاب نزدیک می‌شویم از میزان احادیث ضعیف کاسته می‌شود.

واژگان کلیدی

الارشاد، شیخ مفید، روایات، بررسی سندی، تاریخ‌نگاری شیعه.

۱. دانشیار، دانشگاه پیام نور، گروه علوم قرآن، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Delafkar@pnu.ac.ir

۲. استادیار، گروه علوم قرآن، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

Email: Zkheirolahi@pnu.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

Email: reza_tabrizi5@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۱۱/۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۸/۳

طرح مسأله

کتاب *الارشاد*، اولین کتاب روایی - تاریخی کامل درباره زندگی امامان معصوم^(ع) است که در آن شیخ مفید بر اساس روایات، به ذکر تاریخ پرداخته و این روش او تأثیر چشمگیری در کتب تاریخی بعد از آن داشته است.

برخی از روایات نقل شده در کتاب *الارشاد*، ضعیف هستند و شیخ مفید در کتاب *الارشاد*، ضمن نقل تاریخی، از نقل سند در برخی از روایات و وقایع خودداری کرده و تنها به نقل واقعه و روایت می پردازد، ضمن آنکه روایت مرسل در بین روایات به چشم می خورد و از سوی دیگر منابع مورد استفاده شیخ مبهم می باشد، تمام این موضوعات نشانگر ضرورت اعتبارسنجی روایات این کتاب است.

با توجه به مسائل فوق، این مقاله از حیث سندی، به بررسی راوی روایات مربوط به دوران امام سجاد^(ع) تا حضرت حجت^(عج)، در کتاب *الارشاد* می پردازد تا روایات مجعول را از روایات متقن و معتبر بازشناسی کند و مشخص کند که روایت صحیح و معتبر از منظر شیخ مفید کدام است.

پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش کامل و جامعی در بررسی اعتبار سندی و محتوایی احادیث موجود در کتاب *الارشاد* صورت نگرفته است. در مقالات منتشر شده درباره شیخ مفید، غالباً جنبه کلامی و فقهی اندیشه‌های شیخ مفید مطرح نظر بوده و بررسی‌های فقه‌الحدیثی و رجالی کمتر در آثار شیخ مفید صورت گرفته است.

برخی از آثار و تحقیقات صورت گرفته درباره آثار شیخ مفید و خصوصاً کتاب *الارشاد*، به شرح ذیل می باشد:

۱. «شیخ مفید و تاریخ نگاری او در کتاب *الارشاد* با توجه به برخی مبانی کلامی و اصولی او» تألیف نعمت‌الله صفری فروشانی (۱۳۸۶): در این مقاله، نویسنده ضمن اشاره به اینکه گام نخست در نقد و بررسی تاریخ نگاری شیخ مفید، آشنایی با برخی مبانی کلامی و اصولی وی می باشد عنوان می کند نوعی تقدم کلام بر تاریخ را می توان در کتاب *الارشاد*

مشاهده کرد.

۲. «الارشاد و تاریخ نگاری زندگانی ائمه علیهم السلام» تألیف نعمت‌الله صفری فروشانی (۱۳۸۷): در این مقاله، نویسنده با نگاهی نقادانه به سراغ کتاب *الارشاد* رفته و به برخی از کاستی‌های کتاب، تناقضات یا تناقض‌نماها و به برخی از گزرت‌برداری‌های غیرروشمند شیخ مفید از منابع مختلف اشاره می‌کند.

۳. «منابع شیخ مفید در گزارش‌های تاریخی» اثر قاسم خانجانی (۱۳۸۷): در این مقاله، نویسنده به ذکر منابع شیخ مفید در تألیف دو کتاب «*الجمل*» و «*الارشاد*» می‌پردازد و اشاره می‌کند که شیخ مفید در برهه‌ای از تاریخ قرار گرفته که رشد و توسعه علوم اسلامی در اوج خود بوده و به بسیاری از منابع دسته اول دسترسی داشته است که این منابع، بعدها از بین رفته‌اند.

در این میان می‌توان به برخی از آثار اشاره کرد که به بررسی منهج حدیثی و مبانی فقه الحدیثی شیخ مفید پرداخته‌اند اما این آثار نیز هیچ‌کدام به بررسی سندی کتاب *الارشاد* التفاتی نداشته‌اند. آثاری همچون؛

۱. «روش‌ها و معیارهای نقد حدیث در آثار شیخ مفید» اثر علی‌نقی خدایاری (۱۳۸۹): نویسنده در این مقاله، به روش‌ها و معیارهای نقد حدیث در آثار شیخ مفید پرداخته و آنها را بر اساس اهمیت، به چهار دسته نقد متن‌محور، نقد سند‌محور، نقد مأخذ‌محور، قرینه‌های عدم صدور یا قابل‌اخذ نبودن حدیث تقسیم کرده است.

۲. رساله دکتری با عنوان «بررسی تطبیقی مبانی و روش علامه مجلسی و شیخ مفید در نقل، فهم و نقد روایات تاریخی» تألیف مریم نساج (۱۳۹۵): نگارنده در این رساله تلاش کرده تا با بررسی تطبیقی میان مبانی و روش شیخ مفید و علامه مجلسی در نقل، نقد و فهم روایات تاریخی به بازشناسی معیارها و اصول ایشان در گزارش و گزینش، تحلیل و تبیین محتوایی و اعتبارسنجی روایات تاریخی بخش ائمه^(ع) پردازد.

۳. رساله دکتری با موضوع «مبانی و منهج حدیثی شیخ مفید» نوشته محمدعلی تجری (۱۳۸۷): در این رساله، سعی شده تا به اصول و معیارهای فهم صحیح احادیث در آثار شیخ مفید پردازد تا بتواند از دیدگاه شیخ مفید، احادیث سره را از ناسره تشخیص دهد، کاری

که نیازمند بررسی‌ها و ارزیابی‌های سندی و دلالتی است و قواعد و شیوه‌های خاص خود را دارد.

۴. پایان‌نامه با عنوان «مبانی فقه‌الحدیثی شیخ مفید» تألیف مرضیه‌سادات میرحسینی (۱۳۹۱): نویسنده در این مکتوب، قصد دارد تا به روش‌ها و مبانی فهم حدیث و همچنین ملاک‌ها و معیارهای نقد حدیث از دیدگاه شیخ مفید در خلال آثار وی بپردازد.

جایگاه کتاب الارشاد

کتاب الارشاد با نام کامل «الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد» از همان زمان تألیفش مورد توجه قرار گرفت، به طوری که می‌توان گفت این کتاب مهم‌ترین نوشته در موضوع تاریخ زندگانی تمامی ائمه^(ع) از سوی یک متکلم شیعی می‌باشد زیرا بیشتر این گونه تألیفات از سوی علما و دانشمندان اخباری، و آن هم نه از دانشمندان اخباری تراز اول، بلکه در رده‌های دوم و پائین‌تر نوشته شده است. شیخ مفید در راستای تألیف کتاب الارشاد از اسانید و منابع گوناگون استفاده برده و چهره‌ای معقول از تاریخ حیات ائمه^(ع) ارائه داده است، چهره‌ای که با مبانی کلامی وی هماهنگ بوده و بعدها این مبانی کلامی مورد پذیرش جامعه شیعی قرار گرفته است.

از دیگر عوامل توفیق این کتاب، نگارش روان و حجم متناسب آن است که اطلاعات مختلفی را در ابعاد گوناگون حیات ائمه^(ع) در اختیار مخاطب خود قرار می‌دهد. این عوامل باعث شده تا الارشاد در طول تاریخ همیشه مورد توجه باشد و اکثر قریب به اتفاق علما برای نوشتن تاریخ زندگانی ائمه^(ع) از این کتاب بهره‌ها ببرند.

با دقت در عنوان کتاب و ملاحظه مقدمه آن متوجه نکات مهمی می‌شویم؛ از جمله هدفی که شیخ از نگارش کتاب عنوان کرده است: «آشنایی مردم با حجت‌های خداوند بر بندگانش». چنانکه شیخ در ذیل هر باب از زندگانی ائمه^(ع) به ذکر دلایل امامت وی، نصوص وارد شده در اثبات امامت هر امام، و نیز بیان موارد و مصادیقی از معجزات ائمه^(ع)، برای اثبات امامت ایشان می‌پردازد.^۱

۱. شیخ در انتهای کتاب الارشاد تصریح می‌کند «و فیما رسمناه من موجز الاحتجاج علی إمامة الأئمة و مختصر من أخبارهم کفایة فیما قصدناه و الله ولی التوفیق و هو حسبنا وَ نَعْمَ الْوَكِيلُ» (مفید، ۱۳۸۶: ۲/۳۸۹).

منابع شیخ مفید در تألیف کتاب الارشاد

در یک دسته‌بندی ساده می‌توان مآخذ شیخ مفید در تألیف کتاب الارشاد را به دو دسته عمده منابع تاریخی و منابع روایی (اسناد) تقسیم کرد. منظور از منابع، کتبی است که در دسترس شیخ بوده و وی به طریق «وجاده» از آن کتاب به نقل روایت پرداخته که در برخی موارد، شیخ به اصل کتاب (نسخه اصلی به خط مؤلف) دسترسی داشته است، مانند کتاب *مقاتل الطالبیین* ابوالفرج اصفهانی (۳۵۶ق).

در خصوص منابع تاریخی باید گفت که بیشترین استفاده شیخ، از منابع اهل سنت بوده و در بخش اول کتاب (زندگانی امیرالمومنین^(ع)) آمده است. در منابع روایی، شیخ کمتر به نام کتاب اشاره کرده و همانطور عرف آن زمان بوده، بیشتر به ذکر سند تأکید داشته که با مستندیابی الارشاد، می‌توان هماهنگی موجود میان این کتاب و منابع روایی شیعه و اهل سنت را درک کرد. در خصوص بهره‌مندی شیخ مفید از منابع اهل سنت باید گفت بیشترین استفاده وی، از کتب صحاح، خصوصاً سنن ابن ماجه (۲۷۳ق)، سنن ترمذی (۲۷۹ق)، مسند احمد بن حنبل (۲۴۱ق) و مستدرک حاکم نیشابوری (۴۰۵ق) است. در میان منابع روایی شیعه نیز، شیخ مفید از کتب شیخ صدوق (۳۸۱ق)، کامل الزیارات جعفر بن محمد بن قولویه (۳۶۸ / ۳۶۹ق)، الکافی کلینی (۳۲۹ق)، اثبات الوصیه مسعودی (متوفی نیمه اول قرن چهارم هجری) و در بخش امام زمان^(عج) از کتاب الغیبه محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی (حدود ۳۶۰ق) استفاده کرده است. در بخش روایت معجزات و جنبه فرابشری ائمه^(ع)، شیخ مفید ظاهراً بیشتر از نوشته‌های صفار، کلینی و مسعودی بهره برده است (نک. خانجانی، ۱۳۸۷: ۲۵).

لازم به ذکر است از آنجا که الارشاد مرجع اصلی کتب بعد از خود قرار گرفته، اگر روایتی را بدون سند آورده باشد در منابع متأخرتر نیز معمولاً بدون سند آمده و به کتاب الارشاد ارجاع شده است. البته به ندرت اتفاق می‌افتد که روایتی با سند متفاوت در کتاب دیگری ذکر شده باشد. در خصوص منابع شیخ مفید نیز باید گفت که برخی از منابع شیخ در تألیف الارشاد از بین رفته و امکان بازیابی سند روایت وجود ندارد. در مجموع باید

گفت، کمتر روایتی یافت شد که در منابع مختلف اسناد متعدد داشته باشد.^۱ موارد اندکی از روایات نیز کلاً بدون سند باقی ماند و هیچ سندی برای آن یافت نشد.

بررسی سندی کتاب «الارشاد»

بنای علمای تاریخ بر آن است که هر گاه در یک رویداد تاریخی ظن و گمان برای مورخ حاصل شود (البته ظن و گمانی که معارض عقلی یا نقلی نداشته باشد) آن مطلب را به عنوان یک گزاره تاریخی می‌پذیرند. از این روست که نویسندگان کتب تاریخی هیچ‌گاه ادعای قطع و یقین در کتب خود نمی‌کنند. بر این اساس مورخان سعی می‌کنند تا حد امکان گزاره‌های تاریخی را به شیوه‌ها و طرق ممکن به قطع و یقین نزدیک کنند (وکیلی، ۱۳۹۵: ۲۳). شیخ مفید در کتاب *الارشاد* تلاش می‌کند تا این ضعف را از طریق ذکر اسناد صحیح و اعتماد بر کتب معتبر برطرف کند. از آنجا که نقل تاریخی در کتاب *الارشاد* به شیوه کتب حدیثی می‌باشد، لازم است روایات هر باب را از نظر سندی بررسی کنیم که بتوانیم تا حدی به اعتبارسنجی کتاب پردازیم.^۲

بررسی سندی روایات به پژوهشگران کمک می‌کند تا ضمن ارزیابی روایات و راویان کتاب *الارشاد*، متوجه شوند که شیخ مفید تا چه میزان نسبت به وثاقت راویان و صحت روایات اهتمام داشته و چه مقدار به نقل روایات ضعیف پرداخته است. البته فایده مهم‌تر این ارزیابی آن است که با بررسی بیشتر این موضوع، پژوهشگر می‌تواند تفاوت نگاه متقدمان و متأخران را نسبت به راویان ضعیف و احادیث ایشان مشخص نماید. در ادامه تک‌تک روایات جامعه هدف این مقاله، از نظر سندی و وضعیت راویان آن،

۱. شیخ مفید برخلاف آنچه رسم بوده، در ابتدای کتاب *الارشاد*، سلسله اسناد راویان موجود در کتاب را توثیق نمی‌کند و این مطلب را مسکوت می‌گذارد.

۲. در این بخش با بهره‌گیری از نرم‌افزارهای «دراية الحديث» (نسخه ۱.۲)، «جامع الاحادیث» (نسخه نور ۳.۵) و رجال شیعه، حتی‌الامکان از منابع متعدد رجالی متقدم و متأخر استفاده شده است. لازم به ذکر است درخصوص استفاده از منابع رجالی از علائم اختصاری استفاده نشده و نام کامل منابع آورده شده است.

مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.^۱

بررسی مفهوم «حکم رجالی» در سند روایات

هنگامی که به بررسی سند روایتی می‌پردازیم با واژگان و اصطلاحاتی مواجه می‌شویم که نیاز به توضیح دارد. یکی از مفاهیم اساسی‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد نحوه قضاوت دانشمندان علم رجال دربارهٔ روایان حدیث است. به نگاه دانشمند رجالی دربارهٔ راوی «حکم رجالی» گفته می‌شود. کارکرد حکم رجالی در تعیین وثاقت و ضعف راوی می‌باشد.

گام اول دانشمند رجالی، جمع‌آوری قرائن و شواهد برای حکم و داوری درخصوص راوی است. رجالی این شواهد را از طریق متن کاوی انجام می‌دهد، یعنی کتاب روایان را بررسی می‌کند و از نتیجهٔ این بررسی و کاوش، حکم به وثاقت و ضعف راوی می‌کند. زمانی که رجالی تصمیم به جمع‌آوری شواهد و قرائن می‌کند، دو حالت برای وی متصور خواهد بود:

۱. برای بررسی وضعیت وثاقت یا ضعف یک راوی، ابتدا به کتب متقدم رجالی شامل رجال نجاشی، رجال ابن‌غضائری، رجال کشی (اختیار معرفة الرجال املا شیخ طوسی به شاگردش)، رجال طوسی و فهرست طوسی مراجعه شده است. در مرحلهٔ بعد، کتب رجالی متأخر همچون رجال برقی و خلاصه علامه حلی مشاهده شده و درنهایت، اگر اسم یک راوی در کتب رجالی متقدم و متأخر یافت نشد به کتاب‌های رجالی معاصر همچون کتاب معجم الرجال و تفصیل طبقات الرواة آیت‌الله خویی و درنهایت کتاب مستدرکات علم رجال الحدیث نمازی شاهرودی مراجعه شده است.^۱

درخصوص ارزیابی روایات باید گفت تمامی احادیث هر بخش به تفکیک روایان (کل روایان سند) بررسی شده و در پایان هر حدیث، میزان درجهٔ اعتبار سند مشخص شده است. برای بررسی سندی هر روایت، سایر منابع متقدم بر الارشاد و حتی منابع متأخرتر مشاهده شده و اگر روایت دارای سند دیگری نیز بوده ذکر شده است. این امر درخصوص روایاتی که در الارشاد بدون سند آمده با دقت بیشتری صورت گرفته که تا حد امکان سند روایات مشخص شود. موارد اندکی از روایات نیز کلاً بدون سند باقی ماند و هیچ سندی برای آن یافت نشد.

در مورد هر روایت، با استخراج نام راوی، بررسی وضعیت وثاقت و ضعف راوی و سپس، نام مهم‌ترین کتب رجالی که به وضعیت راوی اشاره کرده آمده است. (اگر اسم راوی در چند کتاب رجالی آمده باشد، مهم‌ترین موارد مورد توجه قرار گرفته است.)

- قرینه و شاهدی برای حکم کردن نمی‌یابد.

- قرائن و شواهد موجود است. در این مورد سه حالت متصور است: اول آنکه قرائن و شواهد دلالت بر ضعف راوی می‌کنند؛ دوم آنکه شواهد دلالت بر توثیق راوی دارند؛ و سومین حالت آنکه قرائن متفاوت است، یعنی برخی دلالت بر توثیق و برخی دیگر دلالت بر تضعیف راوی می‌کنند.

از سوی دیگر باید در خصوص راویان یک کارکرد دیگر را نیز در نظر گرفت؛ برخی از راویان صاحب اثر هستند و نگاشته‌های حدیثی دارند، برخی دیگر خود دارای نگاشته حدیثی نیستند اما در طریق انتقال آثار دیگر راویان قرار می‌گیرند، و دسته سوم روایانی هستند که هم خود صاحب آثار هستند و هم در طریق روایات دیگران قرار می‌گیرند. بر این اساس، دانشمندان رجالی متقدم، یک کارکرد اصلی یا نقش استقلالی برای راویان صاحب اثر در نظر می‌گرفتند و یک کارکرد تبعی یا نقش طریقی برای راویان ناقل اثر قائل بودند. پیامد موضوع فوق این خواهد بود که در مورد بسیاری از روایانی که نقش طریقی دارند، به‌رغم پرکار بودن، هیچ‌گونه توثیق یا تضعیفی در منابع رجالی مشاهده نمی‌کنیم و از سوی دیگر ضعف روایانی که نقش استقلالی دارند در نقل آثار دیگران مانعی ایجاد نمی‌کند (حسینی شیرازی، ۱۴۰۱: ۲۶). این موارد را در خصوص روایات مورد استفاده شیخ مفید در کتابش فراوان می‌توان مشاهده کرد. به‌عنوان شاهد مثال می‌توان به «ابراهیم بن هاشم» اشاره کرد که نام وی در سند روایات کتاب الارشاد به کثرت دیده می‌شود. او از جمله روایانی است که نقش طریقی یا تبعی وی در سند روایات بسیار پررنگ‌تر از نقش استقلالی او است. شیخ طوسی در کتاب الفهرست با وجود جایگاه ابراهیم بن هاشم هیچ حکمی در خصوص وی نمی‌کند و عبارت وی از واژگان توثیق و تضعیف تهی است^۱ (طوسی، ۱۳۵۶: ۱۲). عبارات نجاشی درباره ابراهیم بن هاشم نیز همین‌گونه است (نک. نجاشی، ۱۳۶۵: ۷۸). با وجود توضیحات فوق می‌بینیم که شیخ مفید

۱. درباره وی چنین می‌گوید: «ابراهیم بن هاشم أبو اسحاق، القمی، اصله الکوفه و انتقل الی قم و اصحابنا یقولون: إنه اول من نشر حدیث الکوفیین بقم و ذکرُوا أَنَّهُ لقی الرضا علیه السلام و الذی اعرف من کتبه کتاب النوادر و کتاب قضایا امیر المؤمنین علیه السلام.»

به روایات ابراهیم بن هاشم اعتماد کرده و روایاتی را که وی در طریق سند آن قرار گرفته است صحیح می‌داند.

۱. دلایل استفاده شیخ مفید از روایات راویان ضعیف:

در بررسی روایات کتاب الارشاد بسیار با این مورد مواجه می‌شویم که در سند روایات مورد استفاده شیخ افراد ضعیف به چشم می‌خورد. در توضیح این مورد دلایل مختلفی را می‌توان برشمرد که از جمله مهم‌ترین آنها نوع نگرش متقدمان به حدیث صحیح و ضعیف می‌باشد.^۱ در ادامه به برخی از دلایلی که شیخ مفید به سراغ احادیث راویان ضعیف رفته است می‌پردازیم.

۱-۱. اختلاف در باورهای کلامی:

یکی از عوامل تأثیرگذار در توثیق یا تضعیف راویان اختلاف باورهای کلامی و اعتقادی اصحاب با یکدیگر بوده است. توضیح آنکه اختلاف در باورهای کلامی باعث می‌شد که راویان یکدیگر را تضعیف و چه بسا تکفیر کنند. این اختلافات گاه تا آنجا پیش می‌رفت که ائمه اطهار^(ع) این کار را کاری ناروا و ناپسند می‌شمردند، تا جایی که پیامد این رفتار را خروج از ولایت اهل بیت^(ع) می‌دانستند. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۵۶۵/۳).

در مکتب قم کسانی را که قائل به سهوالنبی نبودند غالی می‌دانستند، درحالی که از نظر شیخ مفید قائلان به سهوالنبی و سهوالامام مقصر هستند («غلات از دیدگاه شیخ مفید، ۱۳۷۱: ص ۱۹۳). همین مطلب می‌تواند منجر به این شود که شیخ مفید در آثار خود از راویانی بهره ببرد که در کتب رجالی به عنوان غالی معرفی شده‌اند، گرچه از نظر شیخ مفید ایشان غالی نبوده‌اند.

۱. از نظر متقدمان علم راوی بر صحت صدور حدیث از معصوم(ع) دلیل بر صحیح بودن حدیث محسوب می‌شده است، درحالی که این معیار طبیعتاً برای متأخران قابل دسترسی نبوده و به همین جهت برای صحت سنجی یک حدیث به سراغ راویان سند آن حدیث می‌روند.

۱-۲. نسبت با غلاۀ

از دیگر عوامل تاثیرگذار در توثیق یا تضعیف راویان، نسبت آنان با جریان انحرافی غلو است. دو ویژگی اصلی این جریان را می‌توان این‌گونه برشمرد؛ یکی کاستن از عظمت خداوند با گستراندن باور به ربوبیت امامان^(ع) و دیگری ترویج اباحه‌گری و فقه‌گریزی در بستر جامعه.

در سند روایاتی که شیخ مفید در کتاب الارشاد آورده، نام افرادی همچون حسن بن محمد بن یحیی علوی، وهب بن وهب ابوالبختری، عمار بن موسی ساباطی، محمد بن سنان و ... به چشم می‌خورد که این افراد از نگاه دانشمندان علم رجال ضعیف می‌باشند و با عباراتی همچون «ضعیف جداً»، «لا یعول علیه»، «لا یلتفت الی ما تفرد به»، «مطعون علیه»، «طعن علیه بالغلو»، «کان کذاباً»، «یضع الحدیث مجاهره»، «وضاع»، «کثیر المناکیر» و ... توصیف شده‌اند.

حال سؤال اینجاست که چرا شیخ مفید از روایات این افراد در کتاب خود استفاده کرده و چگونه به این روایات اعتماد کرده است؟ ملاک شیخ مفید در پذیرش یا رد روایات چه بوده است؟

معیار شیخ مفید در قبول یا رد احادیث، علم به صحت حدیث و قطع به صدور آن از ناحیه معصوم می‌باشد، لذا از نظر وی خبر متواتر، خبر مرسل مورد عمل امامیه و خبر واحد مقرون به قرینه علم آور پذیرفته است و خبر واحد بدون قرینه صدور، به دلیل ظنی بودن، فاقد اعتبار است. شیخ در فقه الحدیث و انتخاب احادیث صحیح‌المضمون، از روش‌هایی همچون اختلاف نقل‌ها و گزینش نقل صحیح، التزام به ظاهر حدیث، شناخت عام و خاص، استفاده از نکات بلاغی و ادبی، تشخیص احادیث ناسخ از منسوخ، استفاده از قرائن پیوسته لفظی و غیرلفظی و قرائن ناپیوسته لفظی، مثل آیات قرآن و احادیث و اشعار شاعران برجسته عرب بهره برده است. در نقد و بررسی سند روایت نیز، معیارهایی همچون ویژگی‌های راویان، منبع و مأخذ حدیث و سند روایت برای شیخ مفید اهمیت داشته و در نقد متن، مخالفت با قرآن، سنت قطعی، برهان عقلی، اجماع، مسلمات تاریخی و امور حسی و همچنین اضطراب و تناقض درون متنی و جزء مهم ترین معیارهای انتخاب حدیث

می دانسته است (شیخ مفید، ۱۴۱۳ ج: ۲۹).

۱-۳. روایت ضعیف و راوی ضعیف

مفهوم ضعیف یکی از اصطلاحات پر کاربرد در کتب رجالی محسوب می شود. از نگاه اعتبارسنجی سندی احادیث، اگر راوی ضعیف در سند روایتی وجود داشته باشد، آن روایت از نظر ارزش و اعتبار ضعیف محسوب شده و به نوعی از اعتبار پایینی برخوردار خواهد بود. وقتی به نوع نگاه و رویکرد گذشتگان مراجعه می کنیم متوجه می شویم که ایشان نه تنها در احادیث راویان ضعیف به یکباره خط بطلان نمی کشیدند، بلکه در بعضی مواقع احادیث راوی ضعیف را می پذیرفتند و به آن اعتماد می کردند. در حقیقت میان «روایت ضعیف» و «روایت راوی ضعیف» تفاوت است؛ بدین معنی که دانشمندان به روایت ضعیف عمل نمی کردند و آن را ترک می گفتند اما روایت راوی ضعیف را در صورتی که از قرینه صدق برخوردار باشد، می پذیرفتند.

همچنین ایشان احادیث منفرد راوی ضعیف را طرد می کردند؛ یعنی احادیثی که تنها روایت کننده آن ضعیف باشد و قرائن صدور و درستی استناد به معصوم را با خود همراه نداشته باشد. از سوی دیگر گاهی نحوه برخورد با راوی ضعیف به این صورت بوده که احادیث منفرد او پذیرفته نمی شده، اما آنچه از کتب پیشینیان نقل کرده مورد توجه قرار می گرفته است.

در ادامه، به ذکر چند شاهد از راویان ضعیف که احادیث منفرد ایشان غیرقابل اعتماد می باشد، اما سایر روایات ایشان پذیرفته شده و شیخ مفید در *الارشاد* از ایشان نقل روایت کرده، می پردازیم.

۱-۳-۱. اسحاق بن محمد بن احمد نخعی:

ابویعقوب اسحاق بن محمد بن احمد بصری نخعی (د. ۲۸۶ ق) از نوادگان حارث نخعی برادر مالک اشتر می باشد. صاحبان کتب رجال حدیث وی را مورد طعن قرار داده و تضعیف کرده اند. نجاشی وی را فاسد المذهب و معدن تخلیط نامیده است (نجاشی، ۱۳۶۵:

۷۳). ابن غضائری نیز وی را در زمره ضعفا نام برده (ابن غضائری، بی تا: ۴۱).^۱ کشی نیز وی را غالی بلکه از ارکان غلات می‌داند (کشی، ۱۴۰۴: ۱۸) و شیخ طوسی نیز به متهم بودن وی به غلو اشاره می‌کند (طوسی، ۱۳۷۶: ۳۸۴).

در کتاب‌های رجالی معمولاً وقتی از تعبیراتی همچون «فاسد المذهب»، «فاسد الاعتقاد»، «مخلط» یا «اهل تخلیط» استفاده شده است. منظور اشاره به غلاتی است که اصطلاحاً ایشان را «غلات طیاره» می‌نامیدند. این افراد ائمه^(ع) را خدا می‌دانستند و با تفسیرهای باطنی خود از ربقة اسلام و تشیع خارج شده و برای خود گروه‌های مستقل و جداگانه تشکیل می‌دادند. تعبیراتی نظیر «اهل الارتفاع»، «فی مذهب (یا فی حدیثه) ارتفاع»، «مرتفع القول»، «فیه غلو یا ترفع» نیز اشاره به غلاتی دارد که اصطلاحاً ایشان را «مفوضه» می‌نامیدند. ایشان گرچه ائمه^(ع) را خدا نمی‌دانستند اما از مقام واقعی خود بالاتر برده و ایشان را افرادی فرابشری و غیرطبیعی معرفی می‌کردند. این افراد از جرگه تشیع خارج نمی‌شدند اما به روایات ایشان نیز نمی‌شد استناد کرد (مدرسی، ۱۳۸۶: ۶۵).

حال با توضیحات فوق و بیان عدم تأیید اسحاق بن محمد از سوی دانشمندان رجالی، چرا شیخ مفید به روایات وی اعتماد کرده است؟
برای این موضوع می‌توان سه پاسخ ارائه کرد:

- اول اینکه نوع نگاه منفی دانشمندان علم رجال بغداد به مفضل بن عمر باعث تضعیف اسحاق بن محمد شده، زیرا وی در روایتی به نقل از ابن کثیر ثقفی به موضوع مدح مفضل در حضور امام صادق^(ع) اشاره کرده است. در قرن سوم شرایطی به وجود آمد که غلات و مفوضه (خصوصاً مفوضه) آزادی عمل پیدا کردند و بر اساس روایاتی که منسوب به ائمه اطهار^(ع) می‌کردند همچون روایت «نزلونا عن الربویّه و قولوا فینا ما شئتم» (صفار، ۱۴۰۴: ۴۲۱)، بسیاری از مواردی را که می‌خواستند وارد اعتقادات شیعه کردند. ایشان برای اینکه مواضع خود را مستحکم تر کنند، روایات زیادی را در فضایل مفضل و سایر بزرگان گذشته

۱. و درخصوص وی می‌گوید: «إسحاق بن محمد بن أحمد بن أبان بن مرّار یکنی أبایعقوب، فاسد المذهب، کذاب فی روایتیه، وضاع للحدیث، لایلتفت الی ما رواه و لایرتفع بحدیثه و للعباشی معه خبر - فی وضعه للحدیث - مشهور».

خود از زبان ائمه^(ع) روایت کردند (مدرسی، ۱۳۸۶: ۸۲). همین مطلب می‌تواند دلیلی باشد تا دانشمندان رجالی به راویان این دست از روایات به دیده بدبینی بنگرند (بهبهانی، ۱۴۲۲: ۲۸۵-۲۸۶).

- دوم آنکه اسحاق بن محمد روایاتی را نقل کرده که شائبه غلو دارد. مثلاً از ابوهاشم روایتی را نقل می‌کند که مضمون آن دلالت بر امر «بدا» در مسئله امامت می‌کند.^۱ البته شیخ مفید بدا را آشکارشدن تقدیری از جانب خداوند می‌داند (مفید، ۱۴۱۳: ب: ۸۰).

- سومین پاسخی که می‌توان در خصوص اسحاق بن محمد مطرح کرد و به نظر دقیق‌تر و محققانه‌تر می‌رسد اینکه کلینی و به تبع او شیخ مفید از روایات اسحاق بن محمد پالایش شده استفاده کرده‌اند، بدین معنا که اسحاق بن محمد دارای کتبی است که در آنها اندیشه‌های غالبانه منعکس شده است. او در کنار این نگاه‌ها کتابی با عنوان «خبر السید» داشته که البته به دست ما نرسیده و احتمالاً محتوای صحیحی داشته است و کلینی روایات آن را با واسطه علی بن محمد علان کلینی و محمد بن جعفر ابی عبدالله اسدی کوفی از وی نقل کرده است. همچنین این احتمال می‌رود که این کتاب قبل از آنکه اعتقادات اسحاق بن محمد به انحراف کشیده شود از سوی او نگاشته شده است (باقری، ۱۳۹۶: ۱۴۳).

از این مطلب می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که از منظر متقدمان اصل در قبول یا رد یک حدیث، حصول علم و دستیابی به قرینه برای صدور حدیث از سوی معصوم بوده و صرفاً بابت اینکه در طریق نقل روایتی فرد یا افراد ضعیف و متهم دیده شوند آن روایت کنار گذاشته نمی‌شود.

۱-۳-۲. جعفر بن محمد بن مالک فزاری

جعفر بن محمد بن مالک فزاری کوفی از راویان پرکاری است که می‌توان نام او را در اکثر آثار حدیثی مشاهده کرد، به عنوان مثال صاحبان کتب اربعه به وی اعتماد کرده‌اند و

۱. بدین ترتیب که بعد از مرگ محمد پسر امام هادی (ع) در خصوص امر امامت «بدا» صورت گرفت و فرزند دیگر امام، یعنی امام حسن عسکری (ع) برای امامت امت پس از پدرش معرفی شد. شیخ مفید در الارشاد چند روایت با این مضمون از اسحاق بن محمد آورده است.

احادیثش را نقل کرده‌اند. شیخ مفید نیز از وی به نقل روایت پرداخته است. این در حالی است که اکثر دانشمندان علم رجال به تضعیف وی پرداخته‌اند یا حداقل می‌توان گفت که در خصوص وی اختلاف نظر زیادی وجود دارد.^۱

دلیل این اختلاف این است که بیشترین روایاتی که از جعفر بن محمد نقل شده است در زمینه تأویل آیات بر ائمه اطهار^(ع)، مسائل مربوط به امام زمان^(عج) و غیبت ایشان، فضائل و علوم اهل بیت^(ع)، اخلاق و بخش اندکی روایات غرائب می‌باشد. ناگفته پیداست که نقل این قبیل روایات می‌تواند راوی را در مظنّ اتهام به غلو قرار دهد. این واقعیتی فراگیر در تاریخ حدیث شیعه است که هرگاه شیعیان با روایاتی غریب و ناآشنا با آموزه‌های متداول شیعی مواجه می‌شدند، آن روایت و در پی آن راوی حدیث را تضعیف می‌کردند (حسینی شیرازی، ۱۳۹۸: ۶۴۷). البته در مقابل حجم روایات صحیح نقل شده از او و نقل روایت افراد جلیل‌القدری همچون محمد بن یحیی العطار، محمد بن همام بن سهیل، حسین بن علی بن سفیان و احمد بن ادریس قمی و سایر کسانی که قبل‌تر عنوان شد، باعث می‌شود تا به ضعف وی به دیده تردید نگاه شود و حداقل - همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد - تنها می‌توان منفردات وی را کنار گذاشت اما سایر روایات مشترک وی با افراد ثقه پذیرفته خواهد بود. در اصطلاح دانشمندان علم رجال چنین موضعی را «تعارض توثیق مدلل با تضعیف مدلل» می‌گویند. این اصطلاح بدین معنی است که میان دانشمندان رجالی در خصوص یک روایت تعارض وجود دارد. برخی وی را توثیق کرده و شاهد می‌آورند و بعضی دیگر با ادله خود وی را تضعیف می‌کنند.

۱. نجاشی در خصوص جعفر بن محمد می‌گوید: «كان ضعيفا في الحديث قال أحمد بن الحسين كان يضع الحديث وضعاً و يروي عن المجاهيل و سمعت من قال كان أيضا فاسد المذهب و الرواية و لا أدري كيف روى عنه شيخنا النبيل الثقة أبو علي بن همام و شيخنا الجليل الثقة أبو غالب الزراري رحمهما الله» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۲۲). ابن غضائری نیز در خصوص وی این‌گونه می‌گوید: «كذاب متروك الحديث جمله و في مذهبه ارتفاع و يروي عن الضعفاء و المجاهيل و كل عيوب الضعفاء مجتمع فيه» (صفار، ۱۴۰۴: ۴۸/۱). اما شیخ طوسی در کتاب رجال خود درباره جعفر بن محمد می‌گوید: «كوفي، ثقه، و يضعفه قوم، روى في مولد القائم أعاجيب» (طوسی، ۱۳۵۶: ۴۱۸، ش ۶۰۳۷).

۱-۳-۳. محمد بن سنان

نجاشی نام کامل وی را محمد بن حسن بن سنان زاهری می‌گوید اما چون در کودکی پدر خود را از دست داده و در دامان جدش، سنان، پرورش می‌یابد به نام محمد بن سنان معروف شده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ش ۸۸۸). محمد بن سنان یکی دیگر از راویان پرکاری است که دانشمندان علم رجال نظرات مختلفی را درباره او ارائه کرده‌اند. شیخ مفید نیز در کتاب *الارشاد* بسیار از وی به نقل روایت پرداخته است. کشی در مواضعی از کتاب خود او را تأیید می‌کند و ممدوح می‌داند و روایتی از معصوم در مدح وی ذکر می‌کند و در جایگاهی دیگر او را تأیید نمی‌کند و حتی از او به عنوان غالی و کذاب یاد می‌کند (کشی، ۱۴۹۰: ۷۶). شیخ طوسی نیز در کتاب *رجال* و *فهرست* خود او را ضعیف و مطعون می‌داند (طوسی، ۱۳۵۶: ۴۲۳، ش ۱۶۷۴).

جز این مورد، درباره محمد بن سنان روایاتی شامل مدح از ائمه اطهار^(ع) نقل شده و در مقابل، در روایتی وی مورد لعن امام صادق^(ع) قرار گرفته که قطعاً دانشمندان رجال همچون شیخ طوسی، کشی، نجاشی، شیخ مفید و سایرین این روایات را دیده‌اند و با در نظر گرفتن همه جوانب، افرادی همچون شیخ طوسی حکم به ضعف او کرده و شیخ مفید روایات او را صحیح دانسته و از آنها بهره برده و به نقل آن پرداخته است (طاهایی، ۱۳۷۲: ۸۶).

۱-۳-۴. محمد بن علی ابوسمینه

محمد بن علی بن ابراهیم بن موسی معروف به محمد بن علی ابوسمینه از راویانی است که شیخ مفید مکرراً از وی به نقل روایت پرداخته است. او در ردیف ضعیف‌ترین راویان شیعی به شمار می‌آید که دانشمندان رجالی وی را تضعیف کرده‌اند.^۱

۱. به عنوان مثال کشی در بخشی از گزارشش که به بیان دیدگاه فضل بن شاذان می‌پردازد، چنین آورده است؛ «و ذکر الفضل فی بعض کتبه: الکذابون المشهورون ابوالخطاب و یونس بن ظبیان و یزید الصائغ و محمد بن سنان و ابوسمینه اشهرهم» (کشی، ۱۳۶۵: ش ۱۰۳۳). البته کشی در روایت شماره ۱۰۳۲ وی را متهم به غلو نیز می‌داند. ابوسمینه از جمله راویانی است که احمد بن محمد بن عیسی وی را از قم اخراج کرده است. نجاشی و ابن غضائری این موضوع را در رجال خود ذکر کرده‌اند. (ابن غضائری، بی تا: ش ۱۳۴؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ش ۸۹۴).

نتیجه توضیحات و مثال‌های فوق آن است که درنگ در آثار دانشمندان رجالی باعث می‌شود که برخی از روایات راویان ضعیف، اندک یا بسیار، مورد پذیرش قرار بگیرد. به دیگر سخن می‌توان گفت گستره تخریبی مفهوم ضعف در نگاشته‌های رجالی، کمتر و محدودتر خواهد شد. این اتفاق زمانی رخ خواهد داد که دامنه ضعف روایات راوی مشخص شود. یعنی به محض اینکه در توصیف یک راوی گفته شد «ضعیف» یا سایر واژه‌ها و عباراتی که دلالت بر ضعف می‌کند، تمام روایات او تحت الشعاع این مطلب قرار نگیرد، بلکه مشخص شود که کدام دسته از روایات وی قابل اعتناست و کدام دسته مطرود می‌باشد.

بر این اساس می‌توان گفت که باید راویان موجود در سند روایت مورد بررسی قرار بگیرند و به محض وجود یک راوی ضعیف در سند، کل سند و روایت را طرد نکرد. به قول معروف نباید گفت زور یک راوی ضعیف از چند راوی ثقه بیشتر است. بلکه باید آن راوی ضعیف و روایت مورد بررسی قرار بگیرد تا هم در حق روایت جفا نشود و هم اینکه مشخص شود چرا افراد ثقه به روایت راوی ضعیف اعتماد کرده‌اند. موضوعی که در خصوص افراد بزرگی همچون شیخ کلینی و شیخ مفید مشاهده می‌کنیم که به محض مواجهه با یک راوی ضعیف تمام احادیث وی را نادیده نمی‌انگاشتند، بلکه تنها از روایات سستی که از نشانه‌های باورپذیری تهی بودند اعراض می‌کردند. در حقیقت می‌توان گفت تنها احادیث منفرد راویان ضعیف از نگاه متقدمان محل پذیرش نداشته است (حسینی شیرازی، ۱۳۹۸: ۲۱۶).

با وجود همه این توصیفات، کلینی در بخش‌هایی از کافی به نقل روایاتی پرداخته که در سند آنها نام محمد بن علی ابوسمینه مشاهده می‌شود، به‌عنوان مثال در ابوابی همچون «أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حِجَّةٍ»، «أَنَّ الْأُئِمَّةَ (ع) أَتُوا الْعِلْمَ وَ أُثْبِتَ فِي صُدُورِهِمْ»، «عَرَضَ الْأَعْمَالُ عَلَى النَّبِيِّ (ص) وَ الْأُئِمَّةِ (ع)» روایاتی را آورده که نام محمد بن علی ابوسمینه در میان راویان آنها دیده می‌شود و این روایات با روایاتی که دارای سند صحیح و محکمی است تأیید می‌شوند.

ارزیابی سندی روایات کتاب «الارشاد» (فصل زندگانی امام سجاده(ع) تا حضرت حجت(عج))

در ادامه، روایات مربوط به تاریخ زندگانی امام سجاده(ع) تا امام عصر(عج) را به لحاظ سندی مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهیم تا میزان اعتبار و وثاقت روایات این اثر معلوم شود.

ارزیابی روایات زندگانی امام سجاده(ع)

با بررسی روایات بخش زندگانی امام سجاده(ع) و استخراج نام راویان و منبع روایات به ارزیابی این روایات پرداخته شده است. لازم به ذکر است در بررسی راویان ابتدا از کتب اربعه رجالی بهره گرفته شده و در صورت نیاز به کتب متأخران رجوع شده است.

شیخ مفید در این بخش، ۲۴ روایت آورده که در بین آنها هیچ روایت صحیح‌السندی مشاهده نمی‌شود. تنها یک روایت حسن در بین روایات به چشم می‌خورد و جمعاً ۲۰ روایت ضعیف، اعم از مسند و مرسل، و ۳ روایت بدون سند وجود دارد. در این فصل، شیخ مفید ۱۵ روایت از ۲۴ روایت را از ابومحمد حسن بن محمد بن یحیی، معروف به ابن اخی طاهر نقل کرده (۶۲ درصد از کل روایات) که دانشمندان علم رجال وی را تضعیف کرده‌اند و فقط روایاتی را از وی پذیرفته‌اند که از کتاب جدش، یحیی بن الحسن بن جعفر بن عبیدالله بن الحسین بن علی بن ابی‌طالب، معروف به عبیدلی نقل کرده باشد. شیخ مفید نیز صرفاً روایاتی را از او نقل می‌کند که از کتاب جدش روایت کرده است.

در باب فراوانی راویان از نظر وثاقت، بالاترین حجم فراوانی مربوط به راویان مجهول است، و راویان امامی ثقه، راویان ضعیف، و راویان غیرامامی ثقه، در رتبه‌های بعد قرار دارند. البته این نکته قابل توجه است که امروزه بسیاری از راویان که ذکر می‌شود از ایشان در کتب رجالی نشده برای ما مجهول محسوب می‌شوند، اما چه بسا بسیاری از این راویان که شیخ مفید به خودشان یا به روایتشان اعتماد کرده، نه تنها برای وی مجهول نبوده‌اند، بلکه مورد وثوق نیز بوده‌اند.

در خصوص ارزیابی روایات باید گفت که روایات شیخ در این بخش از شرایط صحت

(طبق نظر متأخران) برخوردار نبوده و بیشترین فراوانی مربوط به روایات ضعیف می‌باشد.

ا. ارزیابی روایات زندگانی امام باقر(ع)

شیخ مفید در بخش زندگانی امام باقر(ع)، ۲۶ روایت نقل کرده است که در میان آنها تنها یک روایت از شرایط صحت حدیث برخوردار می‌باشد و در مقابل ۶ روایت بدون سند، و ۱۹ روایت ضعیف‌السند در این بخش آمده است. در این بخش نیز شیخ مفید تعداد ۹ روایت از ۲۶ روایت را از ابومحمد حسن بن محمد بن یحیی نقل کرده (۳۵ درصد) که نشان‌دهنده استفاده پرسامد شیخ مفید از این مرجع روایی می‌باشد.

بر اساس پژوهش صورت گرفته، تعداد ۴۵ راوی مجهول، ۱۹ راوی امامی ثقه، ۹ راوی ضعیف، ۴ راوی غیرامامی ثقه و ۱ راوی امامی ممدوح در این بخش به چشم می‌خورد. تعداد زیاد راویان ضعیف در این بخش باعث شده تا شاهد هیچ روایت صحیح‌السندی در فصل زندگانی امام باقر(ع) نباشیم. البته گفتنی است که وجود روایات ضعیف در نقل‌های تاریخی خدشه عمده‌ای در کار مورخ ایجاد نمی‌کند، هرچند وجود روایات صحیح ارزش کار را بالا می‌برد.

ب. ارزیابی روایات زندگانی امام صادق(ع)

در این فصل شیخ مفید، تعداد ۲۵ روایت نقل کرده که از این تعداد، ۱۷ روایت از کتاب کافی نقل شده و ۳ روایت از شیخ صدوق گرفته شده است (۱ روایت در امامی صدوق و ۲ روایت در توحید شیخ صدوق آمده است). در این بخش تعداد راویان امامی ثقه افزایش یافته و در مقابل، تعداد راویان ضعیف، به شدت روند کاهشی پیدا کرده است. همچنین آمار روایات صحیح به طرز چشم‌گیری با فصل قبل متفاوت می‌باشد. منشأ این تغییر را می‌توان در منابع و مآخذ شیخ مفید جستجو کرد. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، در این بخش تعداد ۶۰ راوی ثقه، ۲۵ راوی مجهول، ۵ راوی غیرامامی ثقه، ۲ راوی امامی ممدوح و ۱ راوی ضعیف در بین روایات به چشم می‌خورد. همچنین از بین ۲۵ روایت این بخش، ۹ روایت صحیح، ۴ روایت ضعیف، ۱ روایت مستفیض و ۱۱ روایت بدون سند می‌باشد.

در این بخش طبق بررسی نگارنده، تعداد احادیث صحیح نسبت به روایات مربوط به بخش زندگانی امام سجاده (ع) و امام باقر (ع) بیشتر شده و می‌توان علت آن را در دو موضوع جستجو کرد؛ یکی آنکه مآخذ روایات نقل شده تغییر یافته و دوم آنکه روایات دو بخش گذشته، برای شیخ مفید قطعیت صدور داشته و یا به هر شکل مورد اعتماد شیخ قرار گرفته است؛ گرچه با معیارهای متأخران، این روایات فاقد شرایط صحت حدیث می‌باشند.

ج. ارزیابی روایات زندگانی امام کاظم (ع)

در این بخش شیخ مفید ۲۴ روایت آورده که از این تعداد ۱۴ روایت در کتاب کافی، ۱ روایت در عیون اخبار الرضا، ۱ روایت در مقاتل الطالبیین آمده و در سند ۴ روایت نام ابومحمد حسن بن محمد بن یحیی دیده می‌شود که وی نیز از کتاب جدش، عیبدلی، به نقل روایت پرداخته است. نکته قابل ذکر در اینجا آن است که پیش‌تر از قول دانشمندان علم رجال عنوان شد که ابن اخی طاهر یک راوی ضعیف است که از مجاهیل به نقل روایت می‌پردازد و به گفته‌ها و مرویات وی اعتمادی نیست، جز آنچه از کتاب جدش، عیبدلی، نقل کرده است. این قول به نوعی تأیید و صحه گذاشتن بر کتاب عیبدلی است، در حالی که در این بخش شاهد آن هستیم که ۳ روایت از ۴ روایت نقل شده از او، از درجه صحت برخوردار نیست و روایات ضعیف محسوب می‌شوند. طبیعتاً در صورتی که این روایات را در زمره روایات صحیح در نظر بگیریم، از تعداد روایات ضعیف کاسته می‌شود و تعداد روایات صحیح افزایش می‌یابد. البته همین امر در خصوص روایات مربوط به دوران زندگانی امام سجاده (ع) و امام باقر (ع) نیز صادق است.

در بخش زندگانی امام کاظم (ع) نیز تعداد راویان امامی ثقه نسبت به بخش‌های قبل درصد بالاتری را به خود اختصاص داده و تنها ۳ راوی ضعیف در این بخش به نقل روایت پرداخته‌اند. البته که ۲۶ راوی مجهول در این قسمت به چشم می‌خورد که ذکر از ایشان در کتب رجالی نشده است. لازم به ذکر است در روایات این بخش ۴۳ راوی ثقه و ۱ راوی امامی ممدوح وجود دارد.

بر اساس پژوهش صورت گرفته، از آنجا که تعداد راویان مجهول در بخش زندگانی امام کاظم (ع) زیاد است، طبیعتاً تعداد روایات ضعیف نیز بالا می‌رود. به همین خاطر مشاهده

می‌شود که تنها ۶ روایت صحیح‌السند در مقابل ۱۸ روایت ضعیف وجود دارد.

ح. ارزیابی روایات زندگانی امام رضا(ع)

در این بخش شیخ مفید ۲۵ روایت نقل کرده است که در این میان تعداد ۲۰ روایت در کافی، ۱ روایت در عیون اخبار الرضا، و ۱ روایت در مقاتل الطالبیین وجود دارد. همچنین شیخ مفید ۳ روایت را از کتاب عیبدلی ذکر کرده است. نکته قابل توجه در این بخش این است که از ۲۵ روایت موجود، تعداد ۲۱ روایت ضعیف‌السند است و تنها ۴ روایت صحیح‌السند وجود دارد که یکی از علل آن وجود «محمد بن علی ابوسمینه» در سلسله سند می‌باشد. وجود «محمد بن علی ابوسمینه» از یک سو، و همچنین نقل روایت از «محمد بن سنان زاهری» باعث شده تا برخی از دانشمندان به شیخ مفید خرده بگیرند و چهره غلوستیز وی را زیر سؤال ببرند و عنوان کنند که شیخ، علی‌رغم اعتقاداتش، در کتاب الارشاد چهره‌ای فراطبیعی از ائمه اطهار^(ع) ارائه کرده است. البته وجود برخی روایات نیز در کتاب الارشاد بر اعتقاد این دسته صحه می‌گذارد که توضیح این مطلب در حوصله این مقال نیست.

بر اساس تحقیق صورت گرفته، از مجموع ۶۸ راوی این بخش، ۴۰ راوی امامی ثقه، ۲۵ راوی مجهول، ۲ راوی ضعیف و ۱ راوی غیر امامی ثقه می‌باشند.

خ. ارزیابی روایات زندگانی امام جواد(ع)

در این بخش، شیخ مفید از ۱۶ روایت نقل شده، ۱۵ روایت را با واسطه استادش ابن قولویه از شیخ کلینی و کتاب کافی نقل کرده است. در میان روایات مذکور، ۳ روایت صحیح، ۱ روایت موثق و ۱۲ روایت ضعیف وجود دارد و تکرار اسم «محمد بن علی ابوسمینه» در میان راویان نسبتاً قابل توجه است. در میان راویان تعداد ۲۷ راوی امامی ثقه وجود دارد و تنها ۳ راوی ضعیف و ۱ راوی غیر امامی ثقه در سند روایات به چشم می‌خورد.

د. ارزیابی روایات زندگانی امام هادی(ع)

در این فصل، شیخ مفید ۱۱ روایت آورده که تمامی روایات از کتاب کافی نقل شده است. در روایات این فصل دیگر اسمی از محمد بن علی ابوسمینه به چشم نمی خورد. مطابق بررسی صورت گرفته هیچ راوی ضعیفی در میان سند روایات دیده نمی شود. ۱۳ راوی امامی ثقه هستند و ۱۱ راوی مجهول می باشند؛ یعنی در کتب رجال توضیحی در خصوص ایشان وجود ندارد. همچنین در این بخش، تنها ۲ روایت صحیح السند می باشد و ۹ روایت دیگر به خاطر وجود راویان مجهول در سند ضعیف هستند.

ذ. ارزیابی روایات زندگانی امام حسن عسکری(ع)

شیخ مفید در این بخش ۲۹ روایت آورده که تمامی روایات از کتاب کافی نقل شده است. در این فصل، نام «اسحاق بن محمد بن احمد نخعی» به چشم می خورد که دانشمندان علم رجال وی را تضعیف کرده اند.^۱

تعداد راویان ثقه امامی در میان روایات ۱۶ نفر، راویان ضعیف ۳ نفر و راویان مجهول ۳۹ نفر می باشد. حجم بالای راویان مجهول در این فصل باعث شده که تنها یک روایت صحیح السند در میان روایات باقی بماند و تعداد ۲۸ روایت ضعیف السند محسوب شوند.

ر. ارزیابی روایات زندگانی امام زمان(ع)

با توجه به راویان و مطالب این بخش، مشخص می شود که پرداختن به دوران امام عصر(عج) برای شیخ مفید از اهمیت قابل ملاحظه ای برخوردار بوده، به طوری که بعد از فصل زندگانی حضرت علی(ع) و امام حسین(ع) یکی از مفصل ترین فصول است.

بر اساس پژوهش صورت گرفته در بخش مربوط به زندگانی امام عصر(عج)، مشاهده می کنیم که میزان راویان امامی ثقه از فراوانی خوبی برخوردار است (۸۰ راوی)، هر چند تعداد راویان مجهول نیز اندک نیست (۵۳ راوی)، اما باید به این نکته دقت داشته باشیم که چه بسا راویان مجهول در عصر ما ناشناس هستند و برای شیخ مفید چنین مطلبی موضوعیت

۱. در خصوص وی در قسمت «دلایل استفاده شیخ مفید از روایات راویان ضعیف» ذیل عنوان «روایت ضعیف و

راوی ضعیف» به صورت مشروح بحث شد.

نداشته است. نکته دیگر آنکه تعداد راویان ضعیف (۱۰ راوی) در مقایسه با راویان ثقه، بسیار اندک می‌باشد و تنها ۴ راوی غیرامامی ثقه و ۱ راوی امامی ممدوح در سند روایات این بخش وجود دارد.

در این بخش شیخ مفید، تعداد ۳۸ روایت صحیح، ۱ روایت حسن، ۳ روایت موثق، ۴۵ روایت ضعیف و ۲ روایت بدون سند آورده است. با توجه به این که روایات این بخش از اهمیت زیادی در زمان شیخ مفید برخوردار بوده و یکی از وظایف و مأموریت‌های خطیر علما و دانشمندان شیعه، ایجاد ارتباط میان مردم و مفهوم غیبت بوده است، لذا می‌بینیم که تعداد احادیث این بخش نسبت به سایر بخش‌ها از فراوانی و کثرت بیشتری برخوردار است و شیخ تلاش کرده از احادیث معتبر در این بخش بهره ببرد.

نتیجه گیری

در دانش حدیث‌شناسی برای کشف میزان اعتبار، و سپس رسیدن به درک صحیح از یک روایت، چند گام اساسی را در پیش رو داریم. موضوع این پژوهش بررسی اعتبار اسناد و میزان ابتدای کتاب الارشاد شیخ مفید بر آثار قبلی ایشان، فارغ از مواجهه فقه‌الحدیثی با این کتاب و پرداختن به محتوای روایات آن است.

در این مقاله برای نقد سندی روایات موجود در کتاب الارشاد ابتدا به توضیح مفاهیم اساسی، از جمله حکم رجالی، وثاقت و ضعف سندی و روات پرداخته شده و دلایل نقل روایات راویان ضعیف از سوی شیخ مفید مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله این دلایل می‌توان به اختلاف در باورهای کلامی راویان حدیث و نسبت راویان با غلات اشاره کرد. در ادامه به بررسی چهار نفر از راویان ضعیفی که شیخ مفید به روایات آنها در بخش‌های مختلف کتاب الارشاد استناد کرده پرداخته شده است.

در پایان نیز روایات مربوط به بخش زندگانی امام سجاده (ع) تا امام عصر (عج) مورد بررسی سندی قرار گرفته که به شرح ذیل می‌باشد؛

شیخ مفید در بخش زندگانی امام سجاده (ع) تا امام عصر (عج) ۲۶۹ روایت آورده که از این مقدار ۶۴ روایت صحیح، ۲ روایت حسن، ۴ روایت موثق، ۱ روایت مستفیض، ۱۷۶ روایت ضعیف و ۲۲ روایت بدون سند می‌باشد. هرچه از نظر زمانی به دوران حیات شیخ مفید نزدیک‌تر می‌شویم، از تعداد راویان مجهول و ضعیف کاسته می‌شود و ابتناء منابع به کافی‌کلینی و سایر مآخذ قابل اعتنا و اعتماد بیشتر می‌شود به گونه‌ای که این موضوع از فصل مربوط به امام صادق (ع) به وضوح قابل مشاهده است. ضمن آنکه باید توجه داشت که تا قرن اول هجری اکثر قریب به اتفاق آثار تاریخی مربوط به مورخان اهل سنت است. در کل، نتیجه بررسی نشان می‌دهد که درباب روایات مربوط به دوران سه امام نخست، بسامد روایات ضعیف و بعضاً مجعول بالاتر است و درباب دوران نه امام آخر، تقریباً هیچ حدیث مجعولی به چشم نمی‌خورد و هرچه به آخر کتاب نزدیک می‌شویم از میزان احادیث ضعیف کاسته می‌شود.

فهرست منابع

۱. ابن غضائری؛ الرجال؛ (بی تا) قم: مؤسسه علمی و فرهنگی دارالحدیث.
۲. احسانی، ابن ابی جمهور؛ (۱۳۶۱) عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیّه؛ قم: سیدالشهدا.
۳. باقری، حمید؛ «الکافی و روایات اسحاق بن محمد احمر نخعی؛ (۱۳۹۶) تلاشی برای شناسایی منبع کلینی در نقل روایات اسحاق؛» رهیافت‌هایی در علوم قرآن و حدیث، سال چهل و نهم، شماره ۹۸، ص ۹-۲۸.
۴. بهبهانی، محمدباقر بن محمد اکمل؛ (۱۴۲۲ق) تعلیقه بر منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال؛ محمد بن علی استرآبادی، قم: مؤسسه آل البیت.
۵. تجری، محمدعلی؛ (۱۳۸۷) «مبانی و منهج حدیثی شیخ مفید»؛ رساله دکتری، دانشگاه قم، مرکز تربیت مدرس.
۶. حسینی شیرازی، سید علیرضا؛ (۱۳۹۸) اعتبارسنجی احادیث شیعه؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی و موسسه رهجویان راه امام هادی^(ع).
۷. ابراهیم بن هاشم؛ (۱۴۰۱) بازخوانی فرایند انتقال حدیث کوفه به قم، گمانه‌های وثاقت؛ تهران: نشر رود آبی.
۸. خانجانی، قاسم؛ «منابع شیخ مفید در گزارش‌های تاریخی»؛ تاریخ اسلام در آینه پژوهش، شماره ۱۹، ۱۳۸۷، ص ۲۱-۴۰.
۹. سیستانی، سیدمحمد رضا؛ (۱۴۳۷) قبسات من علم الرجال؛ بیروت: دارالمورخ العربی.
۱۰. شبیری زنجانی، سیدمحمد جواد؛ (۱۳۷۱) «حیات شیخ مفید (آثار شیخ مفید)»؛ نشریه نور علم، شماره ۴۵، ص ۱۰۱-۱۴۶.
۱۱. _____؛ (۱۳۹۲) «گذری بر حیات شیخ مفید»، دوره ۱، نشریه مجموعه مقالات کنگره شیخ مفید، ص ۵-۴۲.

۱۲. صفار، محمد بن حسن؛ (۱۴۰۴) بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، قم، مکتبه آیت الله المرعشی نجفی.
۱۳. صفری فروشانی، نعمت الله؛ (۱۳۸۷) «الارشاد و تاریخ نگاری زندگانی ائمه علیهم السلام»، شیعه شناسی، سال ششم، شماره ۲۲، ص ۳۷-ص ۷۶.
۱۴. طاهایی، سید محمد مهدی؛ (۱۳۷۲) کارکرد روایات در توثیق و تضعیف راویان، قم: نشر معارف اهل بیت الطاهرین علیهم السلام.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن؛ (۱۳۵۶ق) الفهرست؛ نجف: مکتبه مرتضویه.
۱۶. _____؛ (۱۴۰۴) اختیار معرفه الرجال؛ قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۱۷. _____؛ (۱۳۷۶). رجال الطوسی، قم، جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه بقم، موسسه النشر الاسلامی.
۱۸. «غلات از دیدگاه شیخ مفید»؛ (۱۳۷۱) جمعی از نویسندگان؛ مجله حوزه، شماره ۵۴، ص ۱۹۱-ص ۲۴۶.
۱۹. کشی، محمد بن عمر؛ (۱۴۹۰ق) رجال الکشی؛ مشهد: موسسه نشر دانشگاه مشهد.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب؛ (۱۴۰۷) الکافی؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۱. لواسانی، سید محمدرضا؛ (۱۳۶۸) نقش باورهای کلامی در داوری رجالیان متقدم؛ قم: نشر معارف اهل بیت الطاهرین علیهم السلام.
۲۲. مدرسی، سید حسین؛ (۱۳۹۴) مکتب در فرآیند تکامل، تهران: کویر.
۲۳. معصومی مقدم، محمد؛ (۱۳۶۵) نقش نقادی متن در داوری رجالیان متقدم؛ قم: نشر معارف اهل بیت طاهرین علیهم السلام.
۲۴. مفید، ابو عبدالله محمد بن محمد؛ (۱۳۸۶) الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۵. _____؛ (۱۴۱۳) الفصول المختاره من العیون و المحاسن؛ قم: المؤتمر العالمی لالقیة الشیخ المفید.
۲۶. _____؛ (۱۴۱۳) اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات؛ تحقیق سید علی میر شریفی، قم: المؤتمر العالمی لالقیة الشیخ المفید.

۲۷. _____؛ (۱۴۱۳) *التذکره بأصول الفقه*؛ قم: المؤتمر العالمي لآل‌فیه الشیخ المفید.
۲۸. میرحسینی، مرضیه سادات؛ (۱۳۹۱) پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «مبانی فقه‌الحدیثی شیخ مفید». دانشگاه مازندران.
۲۹. نجاشی، احمد بن علی؛ (۱۳۶۵) *رجال نجاشی*؛ قم: انتشارات اسلامی.
۳۰. نساج، مریم؛ (۱۳۹۵) پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی تطبیقی مبانی و روش علامه مجلسی و شیخ مفید در نقل، فهم و نقد روایات تاریخی»، دانشگاه قرآن و حدیث.
۳۱. هدایت‌پناه، محمدرضا؛ (۱۳۹۲) «دستیابی به تاریخ یقینی؛ بررسی مقایسه‌ای روش‌شناسی تاریخی سه متکلم تاریخی گرا (شیخ مفید، قاضی عبدالعبار معتزلی، ابن حزم اندلسی)»، تاریخ اسلام، سال چهاردهم، شماره سوم، پاییز، شماره مسلسل ۵۵، ص ۷-۴۴.